

پژوهش

# جنگ غزه و نفوذ آمریکا در خاورمیانه

17 آوریل 2024 م

به قلم دکتر / محمود حمدی ابوالقاسم

سر دبیر مجله پژوهش های ایرانی

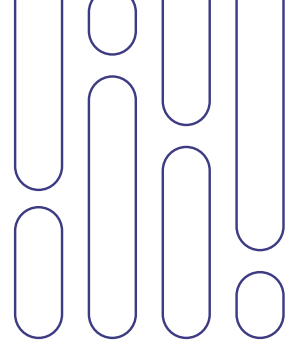


**RASANA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies

٣) رصانة - المعهد الدولي للدراسات الإيرانية ، 1445هـ

ابوالقاسم ، محمود حمدي  
جنگ غزه و نفوذ أمريكا در خاورميانه. / محمود حمدي  
ابوالقاسم -. الرياض ، 1445هـ  
..ص ؛ .سم

فيليا: 1445/19952  
شابك: 8-8-92145-603-978



## فهرست

3.....	مقدمه
4.....	نخست: اوضاع و سیاست آمریکا پیش از «طوفان الاقصی»
4.....	یک. افزایش نفوذ و نزدیک شدن ایران به آستانه هسته ای
5.....	دو. تنش در روابط با برخی از متحدان دیرین
5.....	سه. سیاست نفتی مستقل کشورهای خلیج:
6.....	چهار. افزایش نفوذ چین:
9.....	دوم: واکنش آمریکا در قبال تحولات بعد از «طوفان الاقصی»
9.....	یک. تضمین امنیت اسرائیل و از بین بردن مقاومت فلسطینی:
10.....	دو. حمایت از منافع و تقویت نفوذ جهانی آمریکا:
11.....	سه. ایجاد بازدارندگی در مقابل ایران و گروههای نیابتی، و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ کنونی:
12.....	چهار. هماهنگی با متحدان بین المللی و منطقه ای:
13.....	پنج. تلاش برای کنترل اوضاع و ترمیم اعتبار
13.....	سوم: برآیندها و پیامدهای سیاستها
14.....	یک. قرار گرفتن مجدد مسأله فلسطین در دستور کار علی رغم احتمال پایین حل این مسأله :
15.....	دو. رویارویی منطقه ای در چندین جبهه و بازگشت اجباری مأموریتهای جنگی:
17.....	سه. اختلاف دیدگاه با متحدان منطقه ای:
18.....	چهار. به مخاطره افتادن جایگاه بین المللی آمریکا در زمان حساس:
19.....	پنج. نظامی گری آبراهه ها و تأثیر احتمالی بر رشد تجارت جهانی:
20.....	شش. انزوا و فقدان مقبولیت:
21.....	هفت. ترغیب گروههای تندرو به حمله علیه ایالات متحده و متحدانش:
21.....	برآیند

## مقدمه

تا پیش از عملیات طوفان الاقصی که در هفتم اکتبر 2023 میلادی روی داد، ارزیابی آمریکا حاکی از آن بود که شرایط خاورمیانه با منافع ایالات متحده همسویی دارد. حتی وقتی جو بایدن در قامت رئیس جمهور برای اولین بار عازم سفر به منطقه خاورمیانه می شد به این مسأله اشاره کرد که از زمان حملات 11 سپتامبر 2001 میلادی تا کنون سابقه نداشته است که یک رهبر آمریکایی در حالی به منطقه خاورمیانه سفر کند که نیروهای آمریکایی در آنجا حضور و مأموریت جنگی نداشته باشند. جک سالیوان تنها چند روز پیش از عملیات طوفان الاقصی بر همین مسأله تأکید کرد و گفت که اکنون خاورمیانه در مقایسه با دو دهه قبل، فضای آرام تری را تجربه می کند. او همچنین توانایی ایالات متحده در تمرکز بر اولویتهای راهبردی خارج از خاورمیانه را قابل تمجید دانست.

اما، در حالیکه واشنگتن تلاش داشت از راههای دیپلماتیک، مشوقهای اقتصادی و ترتیبات امنیتی گامهای عملی برای احیا و حفظ نفوذ خود در خاورمیانه بردارد و تلاشهای خود را برای مقابله با چالشها در مناطق دیگر متمرکز کند، به ناگاه خود را در وضعیتی دید که ناچار است بار دیگر به منطقه خاورمیانه بازگردد و مأموریتهای جنگی بیشتری در این منطقه انجام دهد؛ زیرا ایالات متحده نه تنها در روابط با دشمنان منطقه ای مانند ایران و گروههای نیابتی، و یا رقابت با قدرتهای بزرگ منطقه مانند چین، و روسیه بلکه در روابط با متحدان منطقه ای نیز با چالشهای بی سابقه ای روبرو شد. متحدان منطقه ای در مورد رخدادهای منطقه دیدگاه متفاوتی با ایالات متحده داشتند. به باور آنها سیاست واشنگتن سبب بازگشت مجدد جنگ و هرج و مرج به منطقه شده و برنامه قدرتهای مهم منطقه ای و در رأس آنها پادشاهی عربستان سعودی برای ایجاد ثبات در منطقه را ناکام ساخته است.

و بدین سان، عملیات طوفان الاقصی که همچون زلزله ای راهبردی، منطقه را لرزاند، بحثها درباره رابطه ایالات متحده با منطقه خاورمیانه را بار دیگر زنده کرد و در این میان، سؤالات اساسی مطرح شد مانند: عملیات «طوفان الاقصی»، تحولات نفوذ آمریکا در منطقه و همچنین تلاش این کشور برای دنبال کردن راهبرد خود در منطقه چه پیامدهای برای خاورمیانه به دنبال دارد؟ در کنار این سؤال اصلی سه سؤال فرعی دیگری مطرح است: اول، رابطه ایالات متحده با منطقه خاورمیانه پیش از طوفان الاقصی چگونه بود؟ دوم، واکنشهای آمریکا به عملیات «طوفان الاقصی» و جنگ غزه چیست، و در این بین، چه انگیزه هایی دارد و چه هدفهایی را دنبال می کند؟ و در نهایت، ایالات متحده در پیشبرد سیاستها

و تحقق اهداف خود تا چه اندازه موفق بوده است و برآورد و نیز پیامدهای سیاست آمریکا بر منطقه خاورمیانه چیست؟

این پژوهش با نگاه واقع بینانه به این مسأله که ایالات متحده برای اثبات برتری خود به جنگ منطقه ای گسترده ورود کرده است و برای پاسداری از امنیت خود و نیز جلوگیری از هرگونه تغییر در توازن قوا که می تواند وضعیت موجود را برهم بزند، از تمام ابزارها و مخصوصا از قدرت نظامی خود کمک گرفته است، تلاش دارد به این پرسشها پاسخ دهد. در این زمینه، پژوهش حاضر روش استقرائی را در پیش گرفته است که در آن تلاش می شود با گردآوری دقیق داده ها و بررسی رابطه میان آنها، به نتایج کلی دست یابد. این روش، مانند سایر روشهای علمی دیگر، با مشخص کردن مشکل و یا پدیده مورد نظر، به دنبال جزئیات و علل آن می رود تا از امور جزئی به نتیجه کلی و یا به عبارت دیگر، از مفهوم خاص به مفهوم عام هدایت شود. در این روش، با بررسی وضعیت، پیامدهای «طوفان الاقصی» و جنگ غزه بر نفوذ آمریکا در خاورمیانه و جایگاه بین المللی آن، مورد استقرا قرار می گیرد.

### **نخست: اوضاع و سیاست آمریکا پیش از «طوفان الاقصی»**

از زمان جنگ آزادسازی کویت در سال 1990 میلادی، خاورمیانه در مرکز توجه آمریکا قرار داشت. اما گسست ارتباط ایالات متحده با این منطقه از زمان باراک اوباما به عنوان بخشی از راهبرد حساب شده شروع شد تا واشنگتن بر رقابت فزاینده با چین تمرکز کند. این سیاست، دیدگاه پیش از سال 1990 میلادی ایالات متحده درباره خاورمیانه را احیا کرد. بر اساس این دیدگاه، ایالات متحده تلاش دارد با کمترین حضور نظامی و تکیه بر متحدان منطقه ای، ثبات خاورمیانه را حفظ کند. علی رغم اینکه این دیدگاه در روی زمین تحقق نیافت و خاورمیانه در زمان ترامپ خود را جزو اولویتهای برنامه آمریکا قرار داد، اما اداره رئیس جمهور بایدن تا کمی قبل به خود می بالید که مشکلات خاورمیانه نتوانسته آن را از پرداختن به خاور نزدیک باز دارد. اما با این همه، این سیاست، پیامدهای وخیمی برای واشنگتن و منطقه به دنبال داشت و کاهش چتر حمایتی آمریکا، نفوذ ایالات متحده را با چالشهای مهمی روبرو ساخت که مهمترین آنها عبارتند از:

### **یک. افزایش نفوذ و نزدیک شدن ایران به آستانه هسته ای**

کاهش توجه آمریکا به منطقه به ایران فرصت داد تا نفوذ منطقه ای خود را گسترش دهد و حضور خود را در آبراههای راهبردی تقویت کند و حملات غیر مستقیم بیشتری را علیه منافع و پایگاههای آمریکا در منطقه پشتیبانی کند. وقتی بایدن قدرت را در اختیار گرفت، بر

آن شد تا برای مهار بلندپروازیه‌های هسته‌ای ایران به احیای برجام متوسل شود، اما با انجماد گفتگوها، ایران ظرفیت غنی‌سازی با خلوص 60 درصد را افزایش داد و به گذر از آستانه هسته‌ای نزدیک شد. ایران به همین مقدار اکتفا نکرد و با حمایت از روسیه در جنگ اوکراین و نیز در راستای سیاست هدفمند ایجاد ائتلاف‌هایی برای مقابله با سلطه آمریکا بر فضای بین‌الملل، به تقویت ائتلاف خود با کشورهای چون چین، ونزوئلا و کره شمالی پرداخت تا بلکه چالش‌های بیشتری برای ایالات متحده خلق کند.

### **دو. تنش در روابط با برخی از متحدان دیرین**

واکنش ضعیف آمریکا به ناآرامی‌های منطقه و نادیده گرفتن منافع متحدان منطقه‌ای از سوی واشنگتن، شرکای منطقه‌ای را نسبت به آمریکا دل‌سرد کرد و بر آن داشت تا سیاستی در پیش گیرند که وابستگی آنها به آمریکا را کاهش دهد. از این رو، قدرتهای منطقه‌ای تنوع بخشی به شراکتهای خود را روی دست گرفتند. به مرور زمان احساس خودباوری در میان کشورهای مهم خاورمیانه و رهبران آنها جان گرفت و آنان دریافتند که ایالات متحده بیش از این تمایلی ندارد و یا اینکه نمی‌تواند به نیابت از آنان مشکلاتشان را حل کند و آنان باید خود، امور منطقه‌ای را بر عهده گیرند و همین امر مقدمه‌ای برای توافق عربستان سعودی و ایران و نیز بازگشت سوریه به آغوش عربی شد. این تحولات حکایت از آن دارد که تغییر معنا داری در رویکرد قدرتهای منطقه‌ای و در رأس آنها عربستان سعودی به وجود آمده است زیرا این قدرتها رویکرد گفتگو و تنش زدایی را با جدیت دنبال کردند و به دنبال آن، هماهنگی در سطح بالایی که میان عربستان سعودی و ایالات متحده در مورد ایران جریان داشت، متوقف شد. عربستان سعودی سیاستهای نفتی خود را با توجه به منافع ملی خود و به دور از فشارهای آمریکا دنبال کرد و بعد از سال 1990 میلادی، برای اولین بار تحولات بسیار مهمی در منطقه و بدون مشارکت ایالات متحده رقم خورد. [1].

### **سه. سیاست نفتی مستقل کشورهای خلیج:**

گمان می‌رفت که در پرتو پیشرفت در زمینه نفت شیل و تمایل جهان به استفاده از گاز مایع و منابع انرژی تجدیدپذیر، دیگر عنصر نفت در راهبرد واشنگتن در قبال خاورمیانه چندان اهمیتی نداشته باشد. اما جنگ روسیه علیه اوکراین، ثابت کرد که نفت خاورمیانه و مخصوصاً کشورهای خلیج برای حفظ جایگاه بین‌المللی واشنگتن بسیار مهم است. اما خروج واشنگتن از منطقه، بر نفوذ آمریکا در حوزه نفت تأثیر منفی بر جای گذاشت. زیرا به دنبال کاهش شراکت راهبردی با کشورهای خلیج، این کشورها در جستجوی گزینه‌های مورد نظر خود در زمینه اقتصاد و تنوع بخشیدن به منابع و روابط برآمدند. در پی لشکر

کشی روسیه به اوکراین، آمریکا برای جلوگیری از افزایش بهای نفت، خواهان افزایش سقف تولید نفت شده بود اما عربستان سعودی و امارات در مقابل فشارهای آمریکا مقاومت کردند و این امر برای واشنگتن بسیار گران تمام شد و دریافت که در این پرونده دچار اشتباه محاسباتی شده است [2]..

### چهار. افزایش نفوذ چین:

یک فرصت تاریخی به چین دست داد تا نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد و خاورمیانه به بخشی از صحنه رقابت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک میان پکن و واشنگتن در فضای بین الملل بدل شد. تلاشهای پکن برای توافق عادی سازی روابط میان ایران و عربستان سعودی به بار نشست. این توافق پویایی های جنگ در منطقه را تا حد زیادی تغییر داد و ایالات متحده را با چالش‌هایی چون کاهش قدرت تأثیرگذاری منطقه ای، از دست دادن متحدان تأثیرگذار در مقابله با ایران و همچنین از دست دادن جایگاه اقتصادی در منطقه به نفع چین روبرو ساخت. لذا، چین ایالات متحده را که از دیرباز به عنوان یک قدرت مهم خارجی در خاورمیانه نقش میانجی گری را بازی می کرد، به چالش کشید. همچنین کاهش حضور آمریکا بازیگران دیگری را برای پر کردن خلأ امنیتی ترغیب کرد. ترکیه با گسترش عملیات نظامی خود در سوریه و عراق توانست نفوذ خود را تا لبنان نیز گسترش دهد و حضور نظامی خود را در منطقه خلیج تحقق بخشد. روسیه در جنگ سوریه دخالت کرد و موفق شد در برابر واشنگتن موازنه قدرت را به نفع خود تغییر دهد. بازیگران غیر دولتی مانند حزب الله لبنان، شورشیان حوثی در یمن و نیروهای کرد در سوریه به پیچیدگی فضای ژئوپلیتیک دامن زدند [3].

اداره بایدن برای جلوگیری از تحولات کنونی در خاورمیانه و پیشبرد ترتیبات تازه با هدف مهار تهدیدها و احیای قدرت تأثیرگذاری راهبرد تازه ای با پنج اصل را روی دست گرفته است [4]: اصل اول، شراکتها؛ بر اساس این اصل ایالات متحده شراکت‌های خود با کشورهای منطقه را که به اصول نظام کنونی بین الملل پایبند هستند تقویت خواهد کرد تا اطمینان حاصل کند که این کشورها قادر به دفاع از خود در برابر تهدیدهای خارجی هستند. اصل دوم، بازدارندگی؛ یعنی ایالات متحده به قدرتهای خارجی و یا منطقه ای اجازه نخواهد داد که آزادی دریانوردی در آبراهه های خاورمیانه از جمله تنگه هرمز و باب المندب را به مخاطره اندازد. و در مقابل هیچ کشوری که تلاش نماید با تجهیزات نظامی، عملیات جاسوسی و نفوذ و نیز حمله و تهدید کشور دیگری را تحت کنترل خود در آورد، مماشات نخواهد کرد. اصل سوم دیپلماسی؛ یعنی ایالات متحده برای مقابله با تهدیدات منطقه ای

تنها به عوامل بازدارندگی اکتفا نمی‌کند بلکه تلاش می‌کند تا حد امکان برای کاهش تنشها، جلوگیری از جنگ افروزی و پایان دادن به درگیریها از گزینه دیپلماسی نیز مدد بگیرد. اما اصل چهارم هم افزایش است؛ یعنی ایالات متحده برای ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان متحدان خود ضمن احترام به حاکمیت و استقلال هر کشور تا جایی که امکان دارد تلاش می‌کند. و در پایان اصل پنجم ارزشها؛ ایالات متحده بر تقویت حقوق بشر و ارزشهایی که در منشور سازمان ملل آمده است، تأکید دارد.

با این پنج اصل که نسبت به یکدیگر همپوشانی دارند، ایالات متحده تلاش کرد تا کنترل تحولات کنونی خاورمیانه را در دست گیرد که در برخی موارد موفقیتهایی نیز کسب کرده است که در اینجا به آنها می‌پردازیم:

**الف. ترمیم دوباره روابط با متحدان منطقه ای:** در نشستی که به میزبانی پادشاهی عربستان سعودی برگزار شده بود، بایدن به سران عرب وعده سپرد که اداره او برای «ترمیم اعتماد و تحقق نتایج واقعی تلاش خواهد کرد و در چارچوب خاورمیانه کنونی که منطقه ای متحدتر از سالیان قبل است کار خواهد کرد». و در عمل نیز ایالات متحده از طریق شراکتهای ابتکاری و فناوریهای روز، برای ایجاد و تقویت زیرساختهای دفاعی هوایی و دریایی در منطقه تلاش کرد. علاوه بر آن از ارتباطات زیرساختی میان عراق، خلیج و اردن و نیز از توافقنامه های جدید تجارت آزاد در تمام نقاط منطقه، گشایش فضای کشورها، و باز کردن آسمان به روی همه هواپیماها از جمله هواپیماهای اسرائیلی که در آسمان عربستان سعودی به پرواز در می‌آیند حمایت کرد. و عملاً نیز ایالات متحده توانست علاوه بر گفتگوها و هماهنگیهای پشت پرده، از طریق برگزاری رزمایشها و تمرینات مشترک و نیز از طریق دیدارهای رسمی به پیشرفتهای مهمی با متحدان دیرین خود مانند مراکش، مصر و کشورهای خلیج دست یابد.

**ب. تلاش برای گسترش توافقات ابراهیمی با هدف تغییر نقشه توافقات منطقه ای:** پرونده عادی سازی روابط و توافقات ابراهیمی که پرونده های زیادی به آن گره خورده است، عامل مهمی برای موفقیت راهبرد آمریکا در منطقه به شمار می‌رفت. گمان بر این بود که این راهبرد، خاورمیانه را طبق دیدگاه آمریکا تغییر خواهد داد. واشنگتن توافقات ابراهیمی را که در آن، فلسطینی ها هیچ محلی از اعراب نداشتند، جایگزین تلاشهای صلح سازی کرد. اداره بایدن بر این گمان بود که با تأکید و تشویق به همکاری منطقه ای می‌تواند پرونده صلح میان اسرائیل و فلسطین را از اولویت خارج کند. از سویی دیگر، دولت اسرائیل با تأکید بر توافقات ابراهیمی بر این باور بود که حال که اسرائیل می‌تواند با هر یک از



کشورهای عربی منطقه به طور جداگانه توافقنامه ابراهیمی را امضا کند، دیگر دستیابی به صلح با فلسطینیان چندان ضرورتی ندارد[5]. تا پیش از عملیات «طوفان الاقصی» گفتگوها برای پیوستن عربستان سعودی به این توافقات همچنان جریان داشت و در این میان تنها مانعی که با نهایی شدن توافق فاصله انداخته بود، شروط ریاض بود که از جمله آنها حل و فصل عادلانه مسأله فلسطین بود. با توجه به جایگاه و نقش تأثیرگذار پادشاهی عربستان سعودی اگر این گفتگوها به ثمر می نشست، دستاورد بسیار بزرگی برای آمریکا بود که می توانست نقش منطقه ای خود را بعد از سالها افول بار دیگر احیا کند.

**ج. ادغام متحدان منطقه ای در پروژه های بین المللی با هدف تقویت سلطه آمریکا:** در این راستا، ایالات متحده ائتلاف I2U2 را با مشارکت کشورهای هند، اسرائیل، امارات متحده و ایالات متحده ایجاد کرد و نشست نقب را برای بررسی چالشهای مهمی چون امنیت غذایی، تغییرات اقلیمی و آرایش امنیت منطقه ای به میزبانی اسرائیل برگزار کرد. همچنین واشنگتن طرح یک دالان تجاری تازه ای را ارائه کرد که هند را از طریق خط آهن و بندرگاهها به خاورمیانه و اروپا وصل می کند. کاخ سفید گفت این طرح که آغاز «دوران تازه ارتباطات» را نوید می دهد، ابتکار چینی کمر بند و جاده را با چالش روبرو خواهد کرد. پر واضح است که این طرحها که برای ادغام متحدان خاورمیانه و متحدان شرق آسیا با متحدان غربی صورت می گیرد، در راستای تلاشهای ایالات متحده برای مهار صعود چین رقم می خورد.[6]. ایالات متحده در صدد است با تقویت ائتلافهای منطقه ای برای تغییر آرایش و مهندسی کردن رقابت منطقه ای و مقابله با تفاهمهای منطقه ای تلاش کند که از جمله آنها می توان به نفوذ فزاینده چین در منطقه، گشایش در روابط ایران با کشورهای منطقه و قطع ارتباط ایالات متحده با مسائل منطقه ای اشاره کرد که مانعی در برابر نفوذ منطقه ای ایالات متحده به شمار می روند. همزمان با این اقدامات، ایالات متحده تلاشهای خود را برای مهار تهدیدهای ایران و گروههای نیابتی آن متمرکز کرده است.

**د. تقویت ثبات و ایجاد بازدارندگی در منطقه:** واشنگتن تلاشهای خود برای تأمین ثبات منطقه ای را افزایش داد تا زمینه برای انتقال تجهیزات نظامی به مناطق درگیری تازه در اروپا و جنوب شرق آسیا فراهم گردد. واشنگتن برای تقویت روابط میان ترکیه و امارات متحده عربی، ترکیه و اسرائیل، قطر و بحرین، امارات و قطر تلاش کرد و با استفاده از گزینه دیپلماسی و عامل منافع مشترک سعی کرد به اختلافاتی که برای چندین سال خاورمیانه را قطب بندی کرده بود، پایان دهد. در این راستا، در مسأله تعیین مرزهای دریایی میان لبنان و اسرائیل میانجیگری کرد، برای حل اختلافات در مورد برنامه هسته ای با ایران، به گزینه

دیپلماسی روی آورد تا در صورت امکان برجام 2015 میلادی را احیا کند و در چارچوب همین گفتگوها بود که توافقی در مورد تبادل زندانیان حاصل شد. به نظر می رسد که هدف واشنگتن از مبادرت به این فعالیتهای دیپلماتیک همانا تقویت امنیت و ثبات منطقه ای بود [7]. در کنار این اقدامات، واشنگتن تلاش کرد یک ساختار امنیتی در منطقه با حضور اسرائیل ایجاد کند که کشورهای منطقه مسئولیت تأمین امنیت و ثبات و مقابله با خطرات و چالشها را برعهده گیرند. و هدف از ایجاد این ساختار امنیتی، همانا مقابله با ایران بود که برای واشنگتن دستاوردهای زیادی را به همراه خواهد داشت.

### **دوم: واکنش آمریکا در قبال تحولات بعد از «طوفان الاقصی»**

ایالات متحده در قبال عملیات طوفان الاقصی واکنشهای گسترده ای از خود نشان داد که در اینجا به میزان گستردگی این واکنشها و انگیزه و اهداف ایالات متحده می پردازیم:

### **یک. تضمین امنیت اسرائیل و از بین بردن مقاومت فلسطینی:**

از نگاه ایالات متحده، حمله روز هفتم اکتبر حماس یک تهدید وجودی برای متحد راهبردی آمریکا یعنی اسرائیل به شمار می رود. از این رو، وقتی اسرائیل وعده داد که حماس را از میان بر می دارد و دست به هجوم گسترده ای به نوار غزه زد، واشنگتن حمایتهای نظامی، سیاسی و اقتصادی خود را برای اسرائیل ارزانی داشت تا به این هدف برسد. بعد از «طوفان الاقصی» جو بایدن رئیس جمهور آمریکا در یک تماس تلفنی با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل تأکید کرد که ایالات متحده در کنار اسرائیل می ایستد و از حق تل آویو در دفاع از خود حمایت می کند. همچنین رئیس جمهور آمریکا برای اینکه ثابت کند او و اداره وی از حمله اسرائیل به غزه حمایت می کند، بی درنگ به اسرائیل سفر کرد و در جلسه کابینه جنگ نیز شرکت کرد.

علاوه بر آن، بایدن و مقامات اداره او، روایت اسرائیل درباره عملیات حماس در هفتم اکتبر از جمله اتهام حماس به سربریدن کودکان و تجاوز به زنان، را تأیید کرد تا حمایت افکار عمومی جهان را از اسرائیل در حمله به غزه جلب کند. این در حالیست که این اتهامها صرفاً ادعاهایی است که تا هنوز ثابت نشده است. همچنین اداره بایدن عناصر جنبش حماس را به پناه گرفتن در میان غیر نظامیان فلسطینی، استفاده از کودکان و غیر نظامیان به عنوان سپر انسانی، احداث تونلهای تروریستی در زیر سازه های غیر نظامی متهم ساخت تا بدین طریق حملات بی رحمانه اسرائیل به غیر نظامیان را توجیه کند. علاوه بر آن، واشنگتن برای مصون

داشتن اسرائیل از هرگونه سرزنش و یا مسئولیت بین المللی، تلاش کرد هیچ قطعنامه ای در شورای امنیت در محکومیت اسرائیل و یا توقف جنگ به تصویب نرسد.

علاوه بر آن، ایالات متحده وعده داد که به اسرائیل کمکهای نظامی ارائه کند و عملاً اداره باید تجهیزاتی چون موشکهای پدافند هوایی گنبد آهنین، بمبهای کوچک قطر، تجهیزات JDAM که بمبهای غیر هدایت شونده را به سلاحهای هدایت شونده با سامانه موقعیت یاب جهانی (GPS) تبدیل می کند در اختیار اسرائیل قرار داد. و این سوای از قراردادهای سلاحهای پیشرفته مانند جنگنده های F-35 و هلی کوپترهای سنگین CH-35 و هواپیماهای سوخت رسان KC-46 است که قبلاً درباره آنها توافق صورت گرفته بود. همچنین، اداره بایدن از کنگره آمریکا خواسته است که کمکهای بیشتری به ارزش 14 میلیارد دلار به اسرائیل تخصیص دهد [8].

واشنگتن از ادامه حملات نظامی اسرائیل برای از میان بردن حماس و تغییر شرایط غزه بعد از جنگ که هدف مشترک آنها است، کاملاً حمایت می کند. بایدن می گوید: « تا زمانی که حماس به ایدئولوژی تخریب چنگ زده است، آتش بس منجر به صلح نمی شود. و در مورد اعضای حماس، هر وعده آتش بس به آنان فرصت می دهد که انبارهای موشکی خود را پر کنند و جنگجویان تازه نفسی را آماده کنند تا بار دیگر با حمله به مردم بیگناه، عملیات کشتار به راه اندازند. در نتیجه، هر اتفاقی که باعث سلطه حماس بر غزه شود، می تواند به ادامه عملیات نفرت پراکنی حماس منجر شود و مردم غیر نظامی فلسطین را از دست یافتن به شرایط بهتر بازدارد [9]. مسأله به همینجا خلاصه نمی شود بلکه بعد از آنکه کشورهای منطقه و در رأس آنها مصر و اردن با آواره ساختن فلسطینی ها به این دو کشور مخالفت کردند، اکنون واشنگتن در سودای غزه بعد از حماس در جستجوی یک قدرت جایگزین برای اداره این باریکه است.

## دو. حمایت از منافع و تقویت نفوذ جهانی آمریکا:

از نگاه ایالات متحده، هدف اصلی طوفان الاقصی همانا مقابله با راهبرد آمریکا صورت گرفته است تا رویکرد منطقه ای دیگری که مخالف روند سیاست آمریکا در منطقه است، را رقم بزند. در نتیجه، واکنشهای آمریکا نیز بر اساس ضرورت حمایت از منافع واشنگتن در منطقه و مقابله با هرج و مرج احتمالی منطقه ای صورت گرفته است. و این احتمال نیز وجود دارد که واشنگتن این حادثه را بهانه قرار داده و برای برآورده ساختن هدفی که از گزینه های دیپلماسی و مشارکت کاری ساخته نشده است، دست به اقدام لازم بزند؛ زیرا ایالات متحده همچنان خود را به عنوان تأثیرگذارترین قدرت جهان می داند و نفوذ آن در

خاورمیانه از یک یا دو دهه قبل، بیشتر است. واقعیت این است که واشنگتن در مقایسه با قدرتها یا مجموعه ای از قدرتها دیگر، در انجام مأموریت‌های نظامی و دیپلماتیک در منطقه توانایی بیشتری دارد؛ مخصوصاً اینکه چین که نفوذ خود را در منطقه تقویت کرده است، ظاهراً به فعالیتهای اقتصادی سرگرم است و تمایلی به بازیگری در جنگ و یا صلح ندارد. اما حال که چین حضور اقتصادی پر رنگی در منطقه رقم زده است، ایالات متحده نیز در راستای مهیا ساختن منطقه برای ورود به رقابت ژئوپلیتیک، احتمالاً قصد دارد از تحولات کنونی برای تثبیت جایگاه و تقویت نفوذ خود استفاده کند.

اقدام ایالات متحده در ایجاد یک ائتلاف بین المللی برای حمایت از کشتیرانی در دریای سرخ که در دسامبر 2023 میلادی اعلام شد، این دیدگاه را تأیید می کند. علی رغم اینکه آمریکا هدف از این ائتلاف را مقابله با حملات حوثی ها و حفاظت از جریان تجارت در دریای سرخ اعلام کرده است، اما برخی بر این باورند که اهداف اعلام نشده ای از این اقدام وجود دارد که با افزایش جایگاه منطقه دریای سرخ و شاخ آفریقا در راهبرد آمریکا در سطح بین الملل ارتباط دارد و این احتمال نیز وجود دارد که واشنگتن در چارچوب راهبرد خود مبنی بر حضور مجدد در این منطقه و گسترش نفوذ خود به نحو فعال، به نظامی سازی این منطقه روی آورد تا بتواند بر تنگه باب المندب کنترل داشته باشد، مانع از اجرایی شدن ابتکار چینی کمربند و جاده شود، با نفوذ فزاینده روسیه، ایران و ترکیه در منطقه مقابله کند و در عین حال از منافع اسرائیل نیز محافظت نماید و در تغییر ساختار توازنات راهبردی در شرق آفریقا نقش پر رنگی ایفا کند [10]..

## **سه. ایجاد بازدارندگی در مقابل ایران و گروههای نیابتی، و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ کنونی:**

ایالات متحده امکانات خود را برای بازداشتن گروههای مقاومت از ورود به جنگ در کنار جنبش حماس و گروههای مقاومت فلسطینی، و همچنین برای حفاظت از منافع آمریکا در منطقه در برابر تهدیدها و حملات احتمالی بسیج کرد. در این راستا، واشنگتن به حزب الله لبنان و دیگر گروههای شبه نظامی در عراق، لبنان و یمن در مورد هرگونه دخالت در این جنگ و یا هرگونه حمله به اسرائیل هشدار داد. همچنین ایالات متحده دو مجموعه از ناوهای هواپیمابر را به سوی شرق دریای مدیترانه گسیل داشت و تعداد 2000 از تفنگداران نیروی دریایی را در ساحل مدیترانه مستقر کرد و 2000 سرباز دیگر را در حالت آماده باش قرار داد تا ضمن قدرت نمایی این پیام را برساند که در حمایت از اسرائیل کاملاً جدی است و اگر هر کدام از این گروهها به اسرائیل حمله کند، آمریکا برای استفاده از قدرت نظامی

آمادگی کامل دارد. و عملاً نیز آمریکا حملاتی را علیه مواضع شبه نظامیان در عراق، سوریه و یمن انجام داد که از مهمترین آنها می‌توان به حملات مشترک با انگلیس علیه حوثی‌ها و نیز حملاتی که آمریکا در 2 فوریه 2024 میلادی با استفاده از بمب افکن‌های B-1 که از ایالات متحده به پرواز در آمدند و به 85 هدف حمله کردند اشاره کرد. این حملات بخشی از عملیاتی است که به گفته مقامات آمریکایی قرار است چندین روز علیه اهداف منطقه ای ایران ادامه یابد[11]. واشنگتن در تلاش بود برای جلوگیری از جنگ آفریزی و گسترش دامنه جنگ، قدرت بازدارندگی خود را افزایش دهد. و در عین حال به اسرائیل فرصت دهد که در یک جبهه برای نابودی حماس جنگ بی رحمانه‌ای را به راه اندازد و هیچ جبهه درگیری دیگری گشوده نشود[12]. همچنین واشنگتن با وضع تحریمها تلاش کرد تا توان تهدیدهای ایران و محور مقاومت را کاهش دهد. در پی تنش‌افزایی‌های گروه‌های نیابتی، ایالات متحده با مشارکت متحدان غربی، تحریمهای بیشتری بر ایران و بازوهای نیابتی آن در منطقه وضع کرد. همچنین برای تضعیف توان مالی حماس و قطع ارتباط مالی آن با خارج، و نیز جلوگیری از ایجاد کانالهای جدید تأمین مالی از طریق شبکه‌های اجتماعی، رشته تحریمهایی را بر این گروه وضع کرد[13].

#### چهار. هماهنگی با متحدان بین‌المللی و منطقه‌ای:

در سطح بین‌الملل، ایالات متحده مواضع خود در قبال بحران غزه را با متحدان بین‌المللی خود هماهنگ کرد و بسیاری از رهبران غربی حمایت سیاسی و نظامی خود از اسرائیل را آشکار کردند. آمریکا گمان می‌کرد که می‌تواند همانند اوکراین برای اسرائیل نیز حمایت‌های بین‌المللی گسترده‌ای را بسیج کند. و به نظر می‌رسد که این نوع همراه ساختن جامعه بین‌الملل، با راهبرد گسترده‌تر آمریکا در تضمین جایگاه بین‌المللی در مقابله با قدرتهای رقیب مانند چین و روسیه مرتبط است. از آنجا که تنش‌زایی حوثی‌ها در دریای سرخ بیشترین تأثیر را در گسترش دامنه جنگ دارد و حملات پهپادی و موشکی آنها علیه کشتی‌هایی با مقصد اسرائیل و همچنین کشتی‌ها و رزم‌ناوهای آمریکایی و انگلیسی چالش بزرگی برای ایالات متحده و آزادی تجارت جهانی است، و برگ فشاری است که می‌تواند روند جنگ در غزه را تحت تأثیر قرار دهد، واشنگتن قبل از آنکه با مشارکت انگلیس به اهداف حوثی‌ها در داخل یمن حمله کند، برای حفاظت از کشتیهای تجاری در دریای سرخ یک ابتکار چند ملیتی ایجاد کرد[14].

در سطح منطقه، بلینکن و دیگر مقامات اداره آمریکا به چندین کشور منطقه سفر کردند. واشنگتن تلاشهای زیادی به خرج داد تا خشم متحدان منطقه‌ای را به خاطر جانبداری

واشنگتن از اسرائیل و زیر پا گذاشتن اصول شراکت منطقه ای، مهار کند. در این زمینه، واشنگتن برای رسیدن به چهار هدف تلاش کرد که عبارتند از: 1- جلوگیری از گسترش دامنه جنگ، 2- بررسی پرونده کمکهای بشردوستانه به غزه؛ در شرایطی که فلسطینی ها در دام محاصره اسرائیل از گرسنگی رنج می برند. و همچنین کاستن از شدت بحران انسانی ناشی از حملات روزانه اسرائیل 3- بررسی این موضوع که چگونه می توان با توافقات سیاسی بعد از جنگ، گفتگوها برای ایجاد منطقه با ثبات و آرام را دنبال کرد 4- بررسی طرحهای بازسازی غزه بعد از جنگ. و در کل، ایالات متحده تلاش می کند که اجازه ندهد سیاستها و طرحهای بلند مدت آن در منطقه که قبل از هفتم اکتبر آماده عملیاتی شدن بود، تحت تأثیر جنگ غزه قرار بگیرد.

### **پنج. تلاش برای کنترل اوضاع و ترمیم اعتبار**

بعد از اینکه اسرائیل جنگ گسترده ای علیه غزه به راه انداخت، بحران انسانی رو به وخامت نهاد و جامعه بین الملل و نیز سازمانهای بین المللی خواهان حمایت از غیر نظامیان شدند. و با توجه به اینکه ایالات متحده در مقابل هرگونه تلاش بین المللی برای توقف جنگ ایستادگی می کرد، در این بحران انسانی نقش و مسئولیت پر رنگی داشت. از این رو، اداره بایدن برای کاهش شدت بحران انسانی، تغییر روند کنونی، خویشتنداری و حمایت از غیر نظامیان به اسرائیل فشار آورد [15]. در این زمینه می توان به دعوت واشنگتن از حوثی و دیگر گروههای شبه نظامی به تنش زدایی و فاصله گرفتن از جنگ غزه و همچنین به ورود ایالات متحده به گفتگوهایی که منجر به چندین وقفه برای تبادل اسرا و ورود کمکهای بشر دوستانه شد، اشاره کرد. علاوه بر آن، اداره بایدن در جلوگیری از گسترش دامنه جنگ به جنوب لبنان نیز تلاشهایی انجام داد و ناو هواپیما بر «یو اس اس جرالد فورد» را از دریای مدیترانه خارج و به ایالات متحده منتقل کرد تا این پیام را به اسرائیل، ایران و حزب الله مخابره کند که ایالات متحده همچنان ترجیح می دهد که از جنگ منطقه ای اجتناب کند. در کنار این اقدام، دیدارهای رسمی مقامات آمریکایی نیز معنادار است. به عنوان مثال، آموس هاکستین، فرستاده آمریکا برای اجرای قطعنامه 1701 شورای امنیت سال 2006 میلادی و پیشبرد گفتگوها برای ترسیم مرزهای زمینی به اسرائیل و لبنان سفر کرد [16].

### **سوم: برآیندها و پیامدهای سیاستها**

در مورد دخالت آمریکا در منطقه بعد از جنگ غزه چند نکته قابل تأمل است که در اینجا به آنها می پردازیم:

**نکته اول:** ایالات متحده تلاش کرد نگذارد که نفوذ آمریکا در منطقه تحت تأثیر این جنگ قرار گیرد و در این راستا ایجاد توازن میان چندین هدف را در دستور کار خود قرار داد که عبارتند از: اظهار همسبستگی با اسرائیل، مدیریت روابط با شرکای عرب، محدود ساختن جنگ در غزه و ممانعت از بروز یک جنگ منطقه ای، پاسداری از اعتبار ایالات متحده و جایگاه بین المللی و نیز اصول و ارزش‌های آن، و در نهایت، پاسداری از پایگاه مردمی بایدها پیش از انتخابات ریاست جمهوری. اما به نظر می‌رسد که ایالات متحده تلاش دارد میان اهدافی توازن برقرار کند که در تضاد با یکدیگر قرار دارند.

**نکته دوم:** اینکه واشنگتن از اصول دیپلماسی روی گردان شده و به استفاده از قدرت و درگیری نظامی روی آورده است، نشان می‌دهد که همچنان منطق سلطه‌گری و قدرت بر رفتار آمریکا حاکم است.

**نکته سوم:** ایالات متحده در پی تحولات کنونی برخی از مواضع خود را تغییر داد که این امر حکایت از تزلزل در سیاست آمریکا دارد.

**نکته چهارم:** هیچ بعید نیست که آمریکا «طوفان الاقصی» را بهانه قرار داده و بار دیگر حضور نظامی خود را در منطقه گسترش دهد، و ترتیبات مهمی برای تضمین نفوذ در غرب آسیا و دریای سرخ و در تمام خاورمیانه روی دست گیرد تا جایگاه بین المللی خود را حفظ نماید و با محاصره کردن دشمنان خود، طرحهای اقتصادی و سیاسی آنها را ناکام سازد.

به هر حال، طوفان الاقصی و واکنش آمریکا در قبال آن، یک واقعیت تازه ای را در منطقه رقم زده است. در این فضای جدید و واقعیت تازه می‌توان مهمترین بازتابهای طوفان الاقصی بر سیاست آمریکا در منطقه را نظاره کرد که به شرح زیر است:

**یک. قرار گرفتن مجدد مسأله فلسطین در دستور کار علی‌رغم احتمال پایین حل این مسأله :**

بعد از اینکه اداره بایدها تلاش‌های زیادی به خرج داد تا با عبور از مسأله فلسطین و راه حل دو کشوری، یک واقعیت تازه ای را در منطقه رقم بزند، جنگ کنونی مسأله فلسطین را در صدر توجهات قرار داد. و این واقعیت مسلم شد که تا زمانیکه حقوق فلسطینی‌ها در نظر گرفته نشود، توافقات ابراهیمی نمی‌تواند مقدمه ای برای صلح باشد و قدرتهای منطقه ای و من جمله کشورهای ابراهیمی که توافق ابراهیمی را امضا کرده اند نیز به این واقعیت پی بردند. و وقتی دیدند که اسرائیل از اقدامات خصمانه خود دست بردار نیست، ناچار شدند ضمن محکوم کردن اسرائیل، در مورد روندی که طی کرده بودند نیز تجدید نظر کنند [17].. اما

عربستان سعودی همچنان بر همان موضع همیشگی خود پابرجاست که تا زمانیکه اسرائیل بر سر راه تشکیل کشور فلسطین سنگ اندازی کند، عربستان سعودی نیز در عادی سازی روابط با اسرائیل و کمک به بازسازی غزه اقدامی نخواهد کرد. امیر فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان سعودی گفت: « اینکه ما به وضعیت قبل از هفتم اکتبر برگردیم و زمینه را همانطور که قبلا در نظر داشتیم برای دور بعدی گفتگوها مهیا کنیم، باید بگویم که اکنون به این گفتگوها تمایلی نداریم [18].

با توجه به این تحولات، اداره بایدن دریافته است که بعد از پایان جنگ در غزه، به یک روند سیاسی نیاز است. از این رو، گفتگوها درباره فردای بعد از جنگ غزه آغاز شد. اما مشکل اینجاست که اداره بایدن به یک طرح واقعی زمان بندی شده که پایان آن نیز دقیقا مشخص باشد نیاز دارد وگرنه، این تلاشها چیزی جز اتلاف وقت نخواهد بود. مشکل دیگری که وجود دارد این است که راست افراطی که قدرت را در اسرائیل در اختیار دارد با هیچ راه حلی موافق نیست و گزینه نظامی را به عنوان تنها گزینه موجود همچنان دنبال می کند و روحیه مردم اسرائیل نیز با این روش افراطی همخوانی دارد. از سویی دیگر نزدیک شدن موعد انتخابات آمریکا مانع از آن می شود که اداره بایدن بتواند به اندازه کافی دولت راست افراطی در اسرائیل تحت فشار قرار دهد. و مسأله پایانی اینکه، حکومت خودگردان فلسطین به عنوان یک طرف در گفتگوها مشروعیت ندارد. و در حالیکه دامنه خشونت در کرانه غربی رو به گسترش است، مقاومت فلسطین همچون کوهی در برابر حملات اسرائیل ایستاده است. و بدین سان می توان گفت که مسأله فلسطین به عنوان یک مسأله لاینحل تاریخی که تحت تأثیر موازنه قوا قرار دارد، خود را بر اداره بایدن تحمیل کرده است. و ایالات متحده بدون رعایت شرط شفافیت و بی طرفی تلاش دارد در این میان به میانجی گری بپردازد. از این رو، نه تنها هیچ امیدی نیست که در روند تشکیل دو کشور پیشرفتی حاصل شود؛ بلکه باید منتظر دور تازه ای از درگیریها بود؛ آن هم درگیریهایی متفاوت از قبل. [19].

## **دو. رویارویی منطقه ای در چندین جبهه و بازگشت اجباری مأموریت های جنگی:**

حزب الله برای کاهش فشار از روی گروه های مقاومت فلسطینی، جبهه شمال با اسرائیل را گشود [20]. شبه نظامیان مورد حمایت ایران در عراق و سوریه ده ها حمله موشکی و پهپادی علیه پایگاهها، مواضع و منافع آمریکا در عراق و سوریه و حتی حملاتی نیز به داخل اسرائیل نیز انجام دادند. علاوه بر اینها، حوثی ها نیز با ورود به خط درگیری، جبهه جنگ با اسرائیل را در دریای سرخ گشودند [21]. تخمین زده می شود که بعد از 7 اکتبر 2023 میلادی بیش از 150 حمله موشکی و پهپادی علیه نیروهای آمریکا در خاورمیانه صورت گرفته است [22].



ایالات متحده ایران را مسئول حملاتی خواند که علیه منافع آمریکا در منطقه صورت می گیرد. یافته های سازمان اطلاعاتی آمریکا حکایت از آن دارد که یک کشتی ایرانی مستقر در دریای سرخ، به حوثی ها کمک کرده است تا آنها بتوانند حملات موشکی و پهپادی خود را با دقت تمام انجام دهند [23]. پنتاگن نیز ایران را متهم ساخت که در حمله پهپادی به کشتی حامل مواد شیمیایی در نزدیکی هند، مستقیماً دست داشته است. در مقابل، اعضای کنگره تأکید دارند که اگر بیش از این پایگاههای امریکا در عراق و سوریه و از یمن مورد حمله قرار گیرد، آمریکا باید علیه ایران دست به یک اقدام نظامی بزند [24]. همچنین واشنگتن ایران را در مورد کشته شدن دو تن از نیروهای دریایی آمریکا در خلیج عدن مسئول دانست. گفتنی است آنها در تلاش برای توقیف یک محموله موشکهای بالستیک و موشکهای کروز ایرانی بودند که به گفته ارتش آمریکا به مقصد یمن در حرکت بود. علاوه بر آن، واشنگتن ایران را در مورد حمله ای که با پهپادهای انتحاری به پایگاه التنف در شرق اردن و در نزدیکی مرز عراق صورت گرفت مسئول دانست. این حمله که به کشته شدن سه سرباز آمریکایی و مجروح شدن ده ها تن دیگر انجامید شدیدترین حمله ای بود که بعد از هفتم اکتبر به منافع واشنگتن در منطقه صورت گرفت.

این تحولات، ایالات متحده را بر آن داشت تا ضمن تقویت توانمندیهای نظامی، امکانات خود را بار دیگر به منطقه گسیل دارد. با این تفاوت که این بار واشنگتن در چندین جبهه درگیر است. و چندین طرف روی یک هدف یعنی اخراج نیروهای آمریکا از خاورمیانه به اجماع رسیده اند. این طرفها عملیات روشمندی را با موفقیت مدیریت می کنند و با استفاده از نقاط ضعف آمریکا دست به حملات شدیدتر از قبل می زنند. در عین حال، از احساسات ضد آمریکایی نه تنها در میان شیعه بلکه در میان اهل سنت نیز در این راستا بهره برداری می شود. و بدین سان واقعیت تازه ای خود را بر واشنگتن تحمیل می کند [25].

و نکته مهم اینجاست که عملیات ایران و شبه نظامیان وابسته، حکایت از آن دارد که ارتباط و هماهنگی میان هسته ها افزایش یافته و همزمان با کاهش توان بازدارندگی آمریکا، این گروهها توان بیشتری برای تهدید منافع آمریکا دارند [26]. این وضعیت می تواند ایالات متحده را به افزایش حملات و یا حتی مانند جنگ نفتکشها در دهه هشتاد قرن گذشته به حمله مستقیم و یا مانند ترور قاسم سلیمانی در ژانویه 2020 میلادی به یک تنش آفرینی بی سابقه علیه ایران وادارد. در پاسخ به حملاتی که به پایگاه البرج 22 در اردن صورت گرفت، طرفهای آمریکایی به ضربات محدود علیه مواضع سپاه پاسداران یا مواضع شبه نظامیان

مورد حمایت ایران قانع نشدند و خواهان آن شدند که ایالات متحده مستقیماً به اهدافی در داخل ایران حمله کند [27].

و هیچ بعید نیست که واشنگتن ناچار در مورد حضور نظامی خود در منطقه تجدید نظر کند و به طور کامل از سوریه خارج شود. برخی منابع اداره بایدن به این مسأله اشاره دارند که اداره بایدن بیش از این تمایلی به ادامه این مأموریت ندارد. و در داخل آمریکا گفتگوهایی در مورد چگونگی و زمان این عقب نشینی به شدت جریان دارد [28]. و همین مسأله در مورد عراق نیز صدق می کند؛ مخصوصاً که در پی فشارهای مردمی ناشی از جنگ غزه، یک کمیسیون دوجانبه برای بررسی و تسریع پایان مأموریت نیروهای ائتلاف بین المللی علیه داعش، تشکیل شده است [29].

### سه. اختلاف دیدگاه با متحدان منطقه ای:

ایالات متحده در صدد ترمیم روابط با متحدان منطقه ای بود اما جنگ غزه نشان داد که فاصله زیادی میان دیدگاهها وجود دارد. و برای اولین بار ایالات متحده در چندین جبهه نظامی مخصوصاً با ایران و گروههای نیابتی درگیر است بدون اینکه حمایت صریح و آشکار کشورهای عربی را با خود داشته باشد. جا دارد اشاره کنیم که اردن نشستی را که قرار بود بایدن با رؤسای جمهور اردن و مصر و محمود عباس رئیس حکومت خودگران فلسطین دیدار کند، لغو کرد [30]. با گسترده تر شدن جنگ و بی اعتنایی واشنگتن به توصیه های متحدان عرب، آنان در جستجوی گزینه های دیگر برآمدند. و عده ای از وزرای خارجه کشورهای عربی در 20 نوامبر 2023 میلادی به کشورهای عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل سفر کردند و پکن را به عنوان اولین مقصد خود برگزیدند. کشورهای عربی با این اقدام این پیام را مخابره کردند که به غیر از واشنگتن گزینه های دیگری نیز دارند [31]. کشورهای عربی و من جمله آنها که با ایدئولوژی حماس سر سازش ندارند، نیز با صدور بیانیه هایی اسرائیل را به شدت محکوم کردند. و بدین سان، به نظر می رسد که پویایی های منطقه و دیدگاهها درباره نقش ایالات متحده عمیقاً تغییر کرده است و به گفته مروان المعشر وزیر خارجه پیشین اردن: «تمام آن افسانه ها فرو ریخته است و ایالات متحده دریافته است که نفوذی که قبلاً داشت، اکنون ندارد» [32]. لذا، تغییر اصلی و مهم این است که برخی از متحدان منطقه ای واشنگتن آمادگی مشارکت در مأموریتهایی که به رهبری ایالات متحده شکل می گیرد را ندارند و تلاش دارند همان مقدار تنش زدایی و ثباتی که در گذشته حاصل شده است را حفظ کنند و برای کمک به جنگی که علیه غزه به راه افتاده است مشارکت نداشته باشند؛ هرچند که این امر می تواند پیامدها و تهدیدهای داخلی و خارجی را به

دنبال داشته باشد. و به نظر می‌رسد که دیپلماسی آمریکا برای جلب نظر متحدان نسبت به سیاستهای منطقه ای خود توفیق چندانی نداشته است. و این مسأله اکنون بیش از هر زمان دیگری خود را نشان داده است که آمریکا دیگر همانند دهه نود، نمی‌تواند ابتکارهای صلح را ارائه کند. شاید مهمترین ویژگی تحولات بعد از جنگ غزه این است که نه تنها موجب تیرگی روابط میان ایران و عربستان نشد بلکه جنگ غزه موجب تقویت این روابط شد. همچنین، جنگ غزه سبب شد که کشورهای مهم عربی موضع یکسانی را اتخاذ کنند. در عین حال، نفوذ چین و روابط آن با متحدان منطقه ای ایالات متحده، به عنوان یک روند مستقل که ربطی به واشنگتن ندارد، همچنان جای خود را حفظ کرده است. این امر نشان می‌دهد که پویایی های منطقه تغییر کرده است و به تبع آن، میزان نفوذ واشنگتن نیز دچار تغییر شده است [33].

#### **چهار. به مخاطره افتادن جایگاه بین المللی آمریکا در زمان حساس:**

به نظر می‌رسد که ایالات متحده دیگر همچون دو دهه پیش، آن توانایی تأثیرگذاری در خاورمیانه را ندارد. و این واقعیت از ناتوانایی های دیپلماتیک و نظامی در مقابله با گروههای مسلح غیر دولتی که در چندین جبهه و با استفاده از فناوری نظامی روز به جنگ نامتقارن دست می‌زنند و برخی از آنها خارج از کنترل هستند و می‌توانند در دسر ایجاد کنند، به خوبی نمایان است. و مهمتر از همه، امروز ایالات متحده بر خلاف گذشته مانند مقابله با گروه داعش، جنگ آزاد سازی کویت در 1990 میلادی، و جنگ عراق در 2003 میلادی، دیگر حمایت منطقه ای را با خود ندارد. و بی تردید این امر می‌تواند بر رویارویی ایالات متحده با روسیه در اوکراین و با چین در تایوان پیامدهایی داشته باشد. و احتمالاً برای ایالات متحده نیز دشوار است که در آن واحد در چندین جبهه دور از هم، وارد درگیری شود [34]. به نظر می‌رسد که اکنون ایالات متحده قادر نیست متحدان خود را با خود همراه سازد و ناکامی در بسیج کردن متحدان علیه روسیه بهترین گواه این مدعاست. از آن گذشته، متحدان ایالات متحده در شرق و جنوب آسیا دیدگاههای متفاوتی درباره جنگ فلسطین اشغالی دارند. البته همین اختلاف دیدگاهها در داخل اردوگاه غربی نیز مشاهده می‌شود.

همچنین، عواملی چون روند درگیری در خاورمیانه و چالشهایی که فراروی ایالات متحده قرار دارد و نیز ناکامی ضد حمله اوکراین، ممکن است قدرتهای بین المللی بیشتری را به نافرمانی ترغیب کند. و این احتمال نیز وجود دارد که گسترش خشونت و جنگ بدین منوال، مقدمه ای برای جنگهای گسترده تر و غیر قابل کنترل همانند درگیریهای پیش از جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم باشد. و ذکر این نکته نیز لازم است که دشمنان ایالات

متحدۀ مانند چین و روسیه از موضع آمریکا در این جنگ استفاده می کنند. در حالیکه آمریکا با حمایت بدون قید و شرط از اسرائیل اعتبار خود را در میان کشورهای جنوب جهانی خدشه دار می سازد، پکن تلاش می کند با دقت و بر اساس معیارهای بین المللی و با در نظر داشت افکار عمومی در جهان در حال توسعه در برابر این جنگ از خود واکنش نشان دهد. و این رفتار سنجیده، هم از لحاظ دیپلماتیک به نفع چین رقم خورد و به مقصدی برای وزرای خارجه کشورهای عرب بدل شد و هم در افکار عمومی ملت‌های عرب جای خود را باز کرد و نتایج نظر سنجی‌ها نشان می دهد که اکنون ملت‌های عرب، چین را بر ایالات متحده ترجیح می دهند. و اگر در آینده شی جین پینگ تصمیم سرنوشت سازی در مورد حمله به تایوان اتخاذ کند، این امید را دارد که به خاطر موضع پکن در قبال جنگ غزه، به احتمال زیاد کشورهای جنوب جهانی در کنار پکن قرار بگیرند نه در کنار واشنگتن [35]. این وضعیت گوشه‌ای از بحران‌های ایالات متحده بعد از طوفان الاقصی را بیان می کند. اما برای اینکه یک تصویر کامل از ایالات متحده داشته باشیم، باید به سخنان بایدن رجوع کنیم که گفت: «ایالات متحده، اکنون در یکی از آن لحظات نادر به سر می برد که از لحاظ اهمیت، از آغاز دوران جنگ سرد و یا دوره بعد از 11 سپتامبر کمتر نیست» [36].

### پنج. نظامی گری آبراهه‌ها و تأثیر احتمالی بر رشد تجارت جهانی:

موضع ناعادلانه آمریکا در قبال جنگ غزه، سبب شد که دامنه این جنگ به منطقه دریای سرخ نیز گسترش یابد. و با توجه به اینکه وجود 11 پایگاه نظامی مربوط به قدرتهای بزرگ منطقه ای و بین المللی در نزدیکی ورودی جنوبی دریای سرخ، این منطقه را به یک صحنه رقابت بین المللی بدل کرده است، اقدام ایالات متحده به استقرار نیروهای بیشتر و تشکیل ائتلاف گسترده با مشارکت متحدان، و همچنین عملیات مشترک با انگلیس، می تواند بر شدت رقابت بین المللی در این منطقه بیفزاید و امنیت و ثبات منطقه دریای سرخ را به مخاطره اندازد.

علاوه بر آن، حملات دریایی حوثی‌ها علیه کشتیهایی با مقصد اسرائیل، و کشتیها و ناوهای آمریکایی در دریای سرخ و خلیج عدن، تردد کشتیها از طریق باب المندب را مختل ساخته است و شرکتهای کشتیرانی ناچار مسیر کشتیهای خود را به سوی دماغه امید نیک تغییر داده اند که این امر موجب افزایش هزینه‌های باربری شده است و اگر این وضعیت ادامه یابد، زنجیره تأمین دچار اختلال می شود و احتمالاً رشد تجارت جهانی نیز کاهش یابد. و بی تردید، ادامه روش توسل به زور می تواند اوضاع را بیش از این متشنج سازد. و این احتمال نیز وجود دارد که این بحران به دیگر آبراهه‌های مهم نیز سرایت کند. به ویژه اینکه، ایران قبلاً

تهدید به بستن تنگه جبل الطارق کرده بود و این امکان را نیز دارد جریان تجارت از طریق تنگه هرمز که یک پنجم نفت جهان را از خود عبور می دهد، را نیز مختل کند. تحلیلگران بر این باورند که اینگونه گسترش دامنه جنگ می تواند بهای هر بشکه نفت را تا 150 دلار افزایش دهد. و این علاوه بر پیامدهای سیاسی که در تمام جهان به دنبال دارد، می تواند انقباض اقتصاد جهانی را به دنبال داشته باشد [37]..

### شش. انزوا و فقدان مقبولیت:

شاید این برای اولین بار بعد از چندین دهه است که مسأله فلسطین در سطح بین الملل تا این حد پر رنگ مطرح می شود. و این مسأله به خاطر نقش بی نظیر ایالات متحده در حمایت نظامی از اسرائیل، می تواند به انزوای واشنگتن بنجامد؛ زیرا واشنگتن متهم است که به طور غیر مستقیم در جنایتهای جبران ناپذیری که اسرائیل در حق غیر نظامیان مرتکب می شود و حقوق بشر بین المللی را زیر پا می گذارد، شریک است. و این باور وجود دارد که ایالات متحده بخشی از این حمله نظامی است. و سخنان سابرینا سینگ سخنگوی پنتاگون در 30 اکتبر 2023 میلادی نیز این باور را تأیید می کند که گفت: « ایالات متحده درباره سلاحهایی که به اسرائیل می دهد، هیچ محدودیتی برای اسرائیل در نحوه استفاده از آن علیه حماس قائل نیست» [38] بنابراین، ایالات متحده دیگر صلاحیت دفاع از نظام بین المللی را که بر پایه اصول استوار است، ندارد. و رأی اولیه دیوان کیفری بین المللی که ادعای اداره بایدن مبنی بر « بی اساس خواندن اتهامات» را رد کرد، نیز از همین واقعیت حکایت دارد. رأی دیوان کیفری بین المللی نشان داد که ایالات متحده با خودش نیز هماهنگی ندارد؛ زیرا متهم به حمایت از کشتار دسته جمعی احتمالی در غزه است. در حالیکه ایالات متحده نتوانست اسرائیل را به تعدیل رفتارهایش وادارد، تصاویر و صحنه های جنگ که توسط حماس و طرفداران آن در شبکه های اجتماعی منتشر شد، به اعتبار ایالات متحده در سطح داخل و بین الملل آسیب زد. و مسأله قابل توجه که این جنگ را از جنگهای قبلی متمایز می سازد این است که مصیبت فلسطینی ها همدردی نسلهای جدید در داخل ایالات متحده و در سطح بین الملل را برانگیخته است. نظر سنجی ها حکایت از آن دارد که محبوبیت بایدن در داخل ایالات متحده کاهش یافته است و رقبا با استفاده از موضع وی، افکار عمومی را بر علیه او مدیریت کرده اند. البته او در طی سفرهای انتخاباتی مورد حمله و انتقادهای زیادی قرار گرفت. و این نشان می دهد که جنگ غزه، تأثیر پر دامنه ای بر ایالات متحده در داخل و خارج داشته است [39]..

## هفت. ترغیب گروههای تندرو به حمله علیه ایالات متحده و متحدانش:

بی تردید، جنگ غزه و موضع آمریکا در قبال آن، به گروههای تندرو فرصت داد که حضور خود را تقویت کنند. زیرا این گروهها جنگ غزه را بهانه قرار داده و از آن برای آرایش صفوف و ترویج گفتمان تندروانه خود استفاده کردند و علاوه بر سربازگیریهای تازه، جنگجویان خود را برای انجام حملات بیشتری آماده ساختند. و این واقعیت در بیانیه‌هایی که شاخه‌های این گروهها در مناطق مختلف منتشر می‌کردند، به خوبی نمایان بود که ضمن اعلام موضع در قبال این رخدادها، نحوه برخورد با این حوادث را نیز بیان می‌کنند. در این میان، گروه داعش از عملیاتی با عنوان کارزار جهانی «هرجا که به آنان دست یافتید، بکشید» رونمایی کرد. و بازتاب آن عملاً در برخی مناطق خود را نشان داد. از میان 100 حمله‌ای که در 10 روز اول سال 2024 میلادی در سرتاسر جهان صورت گرفت، داعش مسئولیت 35 حمله در هفت استان سوریه را بر عهده گرفت. علی‌رغم اینکه اکنون داعش با قدرتی که در سال 2013 و 2014 داشت فاصله زیادی دارد، اما خطر اینجاست که جنگ غزه و بحران فزاینده منطقه‌ای به گروههای تروریستی این شانس را می‌دهد که از وضعیت موجود به نفع خود بهره‌برداری کنند. و اگر این وضعیت را به احتمال عقب‌نشینی آمریکا در برابر فشارها از عراق و سوریه ارتباط دهیم، باید گفت که منطقه به همان وضعیت سال 2014 میلادی باز می‌گردد که داعش حکومت خود خوانده خود را در برخی از مناطق سوریه و عراق اعلام کرد [40]. و شاید هم «گرگهای تنها» بار دیگر حملات خود در کشورهای غربی متحد اسرائیل و ایالات متحده را از سرگیرند. برخی از کشورهای غربی با توجه به این خطرات و توصیه‌های دفتر تحقیقات فدرالی سطح‌آمدگی خود برای مقابله با حملات احتمالی را افزایش داده‌اند. گفتنی است در جلسه 17 اکتبر 2023 میلادی دفتر تحقیقات فدرالی آمریکا در کالیفرنیا که با حضور رؤسای دستگاههای اطلاعاتی استرالیا، کانادا، نیوزلند، انگلستان و ایالات متحده برگزار شد، آنان با صدور یک بیانیه مشترکی درباره افزایش احتمالی حملات در کشورها، در پی حوادث جنگ غزه، هشدار دادند [41].

## برآیند

عملیات طوفان الاقص به عنوان یک زلزله راهبردی و ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه را به لرزه درآورد. بعد از این عملیات، ایالات متحده خود را در برابر تحولات پرشتابی دید که ضرورتاً به نفع واشنگتن رقم نمی‌خورد. باید گفت که طوفان الاقصی یک شرایط پیچیده و بغرنج و بی‌سابقه‌ای را خلق کرده است. عملیات طوفان الاقصی روند تلاشها برای ثبات منطقه‌ای که در تمرکز آمریکا بر مهار چین، نقش عمده‌ای داشت، را وارونه ساخت. این تحولات

سبب شد که واشنگتن به جای اینکه بتواند ایران را مهار کند، ناچار در چندین جبهه درگیری با ایران مقابله می کند و بر خلاف گذشته که ائتلاف منطقه ای منسجم را در کنار خود داشت، این بار به تنهایی در این درگیریها دست و پا می زند. و حتی نتوانسته است ائتلافی شبیه آنچه علیه روسیه در جنگ اوکراین ایجاد کرده است، را در این جنگ با خود داشته باشد. طوفان الاقصی علاوه بر اینکه روند توافقات ابراهیمی را متوقف ساخت به اعتبار واشنگتن در میان کشورهای منطقه نیز آسیب زد.

در سطح منطقه، این عملیات، فرصتی برای رقبای بین المللی ایالات متحده یعنی چین و روسیه بود. به عبارت دیگر، طوفان الاقصی، راهبرد آمریکا در خاورمیانه را ناکام گذاشت و چالشهای متعددی در سطح بین الملل برای آمریکا خلق کرد.

اگر ایالات متحده در این خیال است که با استفاده از این جنگ بار دیگر حضور و نفوذ خود را در خاورمیانه احیا کند؛ بدون اینکه برای حل مسأله فلسطین تلاشی انجام دهد و بدون اینکه با متحدان منطقه ای به عنوان شرکای واقعی خود تعامل کند و به پیشنهادات آنها توجه نماید، باید گفت که ایالات متحده با تکرار خطاهای گذشته، این بار نیز از در اشتباهی وارد شده است. و احتمالاً مجبور شود برای حفظ باقیمانده نفوذ و منافع خود بهایی سنگین تر از گذشته پردازد.

- [1] جهة اطلاع ييشتر: ر.ك: محمود حمدي أبو القاسم، تحوُّلات السياسة السعودية تجاه إيران.. الدوافع والسِّمات ونتائج 2023 (20 أغسطس 2023)، <https://2u.pw/vllqljz>
- [2] Sheikh Nawaf Bin Mubarak Al-Thani, America's Role in the Middle East: The View from the Gulf, (August 10, 2023), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/zxlyikR>
- [3] Mark Leonard, The Post-American Middle East, European Council on Foreign Relations, (19 June 2023), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/AurACuj>
- [4] Washington, white house, National Security Strategy, (OCTOBER 2022), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/IHimgJG>
- [5] Marwan Muasher, The Greater Goal in Gaza For Lasting Peace, Israel Must End Its Occupation of Palestinian Land, (January 15, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/YuEtZA>
- [6] Nadeen Ebrahim, New US-backed India-Middle East trade route to challenge China's ambitions, CNN, accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/fHDohlF>
- [7] Atlantic Council, Brett McGurk sets out the 'Biden doctrine' for the Middle East, February 15, 2023, accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/CEjlUMs>
- [8] Mathias hammer, What to Know About U.S. Military Support for Israel's Gaza Offensive, The time (Nov 3, 2023), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/SjCmdlR>
- [9] Joe Biden, The U.S. won't back down from the challenge of Putin and Hamas, The Washington post, November 18, 2023, accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/hm19DyX>
- [10] Mohammad Ali Thamer, Betul Dogan-Akkas, Red Sea Hostilities: Local, Regional, and International Implications, Carnegie Endowment for International Peace, (January 30, 2024), accessed: Feb 1, 2024, <https://carnegieendowment.org/sada/91500>
- [11] Loveday Morris, Mustafa Salim and Mohamad El Chamaa, U.S. strikes in Syria and Iraq kill dozens of militants, Washington post, (February 3, 2024), accessed: Feb 4, 2024, <https://2u.pw/CK6UmtU>
- [12] Loveday Morris, Mustafa Salim and Mohamad El Chamaa, U.S. strikes in Syria and Iraq kill dozens of militants, Washington post, (February 3, 2024), accessed: Feb 4, 2024, <https://2u.pw/CK6UmtU>
- [13] Joe Biden, The U.S. won't back down from the challenge of Putin and Hamas, Ibid.
- [14] Alexandra Stark, Don't Bomb the Houthis: Careful Diplomacy Can Stop the Attacks in the Red Sea, foreign affairs, (January 11, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/c5clmH7>
- [15] Emma Ashford & Matthew Kroenig, Can the U.S. Prevent a Wider War in the Middle East?, foreign policy (Jan 19, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/GbOSF0g>
- [16] 19) مركز الإمارات للسياسات، كسر قواعد الاشتباك في لبنان: احتمالات انزلاق حزب الله إلى حرب مفتوحة مع إسرائيل، 30 ژانويه 2024، بتاريخ بازديد: يناير 2024، <https://2u.pw/8tOFuZl>
- [17] Roula Khalaf, Biden's vast diplomatic challenge in the Middle East, The Financial Times, (Oct 20 2023), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/ZCJA1z4>
- [18] Melanie Lidman & Wafaa Shurafa, Saudi Arabia won't normalize relations with Israel absent path to Palestinian state, top diplomat says, (January 22, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/Sdw4Uyr>
- [19] Marwan Muasher, The Greater Goal in Gaza, foreign affairs, (January 15, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/YuEtZA>
- [20] Roula Khalaf, Biden's vast diplomatic challenge in the Middle East, Ibid.



- [21] Jamie Dettmer, We are once again at war in the Middle East, politico, (Dec 23, 2023), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/wnHgEyB>
- [22] Jim Garamone, U.S. Continues Protection Mission in Middle East, Convenes Ukraine Defense Group Meeting, (Jan. 22, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/xJlUNz0>
- [23] وبسأيت سي إن إن عربي، سفينة حربية إيرانية تدخل إلى البحر الأحمر بعد يوم من إغراق 3 زوارق حوثية، (01 يناير 2024)، تاريخ بازديد: 25 يناير 2024 <https://2u.pw/xNeiut4>
- [24] Tom Crean & Chris Gray, Conflict In Middle East Creates New Challenges For US Imperialism, Socialist alternative, (Nov 26, 2023), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/GmMji8R>
- [25] Ivo Daalder, Biden's foreign policy headache in 2024, politico, (Jan 2, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/2xGYJCc>
- [26] Narges Bajoghli and Vali Nasr, How the War in Gaza Revived the Axis of Resistance, foreign affairs, (January 17, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/vs6xukL>
- [27] Jack Detsch 3 Options for How Biden Could Respond to Iran, foreign policy, (Jan 29, 2024), accessed: Jan 31, 2024, <https://2u.pw/dYTvuID>
- [28] Amberin Zaman, Pentagon floats plan for its Syrian Kurd allies to partner with Assad against ISIS, al-monitor, (January 22, 2024), accessed: Jan 31, 2024, <https://2u.pw/ydsa27X>
- [29] وبسأيت شبكه الحرة، العراق يشكل لجنة ثنائية لإنهاء مهمة التحالف الدولي، (05 يناير 2024)، تاريخ بازديد: 31 يناير 2024 <https://2u.pw/ANAhVSH>
- [30] Ivo Daalder, Biden's Middle East challenge, (Oct 20, 2023), accessed: Jan 29, 2024, politico, <https://2u.pw/TcnmLYQ>
- [31] Mark Leonard, China's Game in Gaza, foreign affairs, (January 8, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/O2iysrL>
- [32] Marwan Muasher, The Greater Goal in Gaza, foreign affairs, Ibid.
- [33] Dalia Dassa Kaye and Sanam Vakil, Only the Middle East Can Fix the Middle East, foreign affairs (February 1, 2024), accessed: Feb 4, 2024, <https://2u.pw/AKOzRgB>
- [34] Kathryn Levantovskaia, Overstretched and undersupplied: Can the US afford its global security blanket?, (January 5, 2024), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/HCSB9k5>
- [35] Mark Leonard, China's Game in Gaza, Ibid.
- [36] William J. Burns, Spycraft and Statecraft: Transforming the CIA for an Age of Competition, (January 30, 2024), ccessed: Jan 31, 2024, <https://2u.pw/YTvXwRf>
- [37] Mohammad Ali Thamer, Betul Dogan-Akkas, Red Sea Hostilities, Ibid.
- [38] Mathias hammer, What to Know About U.S. Military Support for Israel's Gaza Offensive, Ibid.
- [39] Leslie Vinjamuri, President Biden's Middle East visit reveals the challenges for US diplomacy – and the cost of American withdrawal from the region, Chatham house (18 Oct 2023), accessed: Jan 29, 2024, <https://2u.pw/5d9OQYY>
- [40] تقى النجار، "طوفان الأقصى" .. بين "القاعدة" و"داعش"، المركز المصري للفكر والدراسات الإستراتيجية، (21 أكتوبر 2023)، تاريخ بازديد: 31 ژانويه 2024 <https://ecss.com.eg/37405/>
- [41] Sherine Fahmy, The Gaza War and the Danger of Extremism, Carnegie Endowment for International Peace, (January 25, 2024), accessed: Feb 1, 2024, <https://tinyurl.com/44ebkxub>



---

✉ [info@rasanahiiis.com](mailto:info@rasanahiiis.com)

🐦 [@rasanahiiis](#) [@rasanahiiis](#)

🌐 [www.rasanah-iiis.org](http://www.rasanah-iiis.org)

